

محمود اول قلیچ

صوفی و شعر

بو طیفای شعر صوفیانه در عثمانی

بکدن
داود وفایی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صوفی و شعر

بو طبقای شعر صوفیانه در عثمانی

نوشته

محمود ارول قلیچ

بر گردان

داود وفایی



انتشارات اطلاعات

تهران - ۱۴۰۱

سرشناسه: قلیچ، محمود اورول، ۱۹۶۱م -
 عنوان و نام پدیدآور: صوفی و شعر: بوطیقای شعر صوفیانه در عثمانی / نوشته محمود اورول قلیچ؛
 برگردان داود وفایی
 مشخصات نشر: تهران: اطلاعات، ۱۴۰۱
 مشخصات ظاهری: ۲۰۴ ص.:
 شابک: 978-600-435-187-4

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: عنوان اصلی: Sûfi ve şiir: Osmanlı tasavvuf şiirinin poetikası, c2004
 عنوان دیگر: بوطیقای شعر صوفیانه در عثمانی
 موضوع: شعر عرفانی ترکی - تاریخ و نقد
 موضوع: Sufi poetry, Turkish - History and criticism
 شناسه افزوده: وفایی، داود، ۱۳۴۰ - مترجم
 شناسه افزوده: مؤسسه اطلاعات
 رده‌بندی کنگره: PL ۲۲۰
 رده‌بندی دیویی: ۸۹۴/۳۵۱۰۴۰۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۶۳۵۷۱



انتشارات اطلاعات
 تهران: خیابان میرداماد، خیابان دکتر مصدق، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱
 تلفن: ۲۹۹۹۳۴۵۵۶
 فروشگاه مرکزی: بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن ۲۹۹۹۳۶۸۶
 فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴

صوفی و شعر
 نوشته محمود اورول قلیچ
 ترجمه داود وفایی
 صفحه‌آرا: زهره حلوانی
 حروف نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات
 شمارگان: ۵۲۵ نسخه
 چاپ اول: ۱۴۰۱

قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۵-۱۸۷-۴
 ISBN: 978-600-435-187-4
 همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.
 Printed in Iran

ترجمه این کتاب را به روح بلند برادرم
عیسی رضا زاده تقدیم می‌کنم که نخستین
دیدار با او نقطه عطفی در زندگی‌ام بود.
داود وفایی

فهرست

.....	سخن مترجم	۹
.....	مقدمه نویسنده بر ترجمه فارسی	۱۱
.....	مقدمه	۱۵
.....	بخش اول: مقدمه کلی	۲۳
.....	جهان‌بینی صوفیانه و شعر عثمانی	۴۰
.....	شاعران و شیوخ؛ نماد انسان کامل در شعر	۵۱
.....	شیخ اکبر و شاعر عثمانی	۵۳
.....	مولانا و شاعر عثمانی	۷۳
.....	یونس امره و شاعر عثمانی	۸۵
.....	شاعران عثمانی و مکتب‌های عرفانی	۸۹
.....	بخش دوم: تصوف و تحلیل مفهومی شعر عثمانی	۹۵
.....	تصوف و تحلیل مفهومی شعر عثمانی	۹۵
.....	تصوف؛ چیستی شعر و کیستی شاعر در عثمانی	۱۰۵
.....	مخاطب شعر صوفیانه کیست؟	۱۱۸

- ۱۲۵.....تصوف و ماهیت شعر عثمانی
- ۱۳۵.....تصوف و پیوند شعر و آهنگ و موسیقی در عثمانی
- ۱۴۳.....شعر غیر قدسی و تغییر شکل سمبولیسم صوفیانه
- ۱۵۴.....اتمام سخن، پایان شعر، و تصوف
- ۱۶۱.....بخش سوم: بوطیقای شعر جهانی و شعر صوفیانه عثمانی
- ۱۶۹.....بخش چهارم: عشق سرچشمه معرفت است
- ۱۹۳.....کتاب‌شناسی

سخن مترجم

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر یادگاری که در این گنبد دوار بماند
عرفان و تصوف در جامعه عثمانی از ریشه‌های مستحکمی برخوردار بوده است. صوفیان که ظهور و بروز بیرونی آنها در نهاد خانقاه و جریان فراگیر طریقت‌ها تبلور می‌یافت ادبیات خاصی داشتند و با تولید متون فراوان نظم و نثر در گسترش فرهنگ دینی در مناطق تحت سیطره عثمانی نقش بسزایی ایفا کرده‌اند. «ادبیات دیوان» در امپراتوری مقتدر عثمانی عنوان گونه‌ای از متون نظم و نثر ادبی بود که به‌ویژه از فرهنگ ایرانی تأثیر می‌گرفت. فارسی در آن دوران، زبانی فاخر به‌شمار می‌رفت و اقشار مختلف جامعه در رقابت برای یادگیری آن بودند. برخی از پادشاهان عثمانی چون سلطان سلیم سوم و محمد فاتح به فارسی شعر می‌گفته‌اند. «ادبیات دیوان» و حضور فرهنگ ایرانی در زوایای مختلف جامعه ترکیه، همچنان از قابلیت بررسی‌های گسترده و تدوین رساله‌های مستقل درباره آن برخوردار بوده و هست. شاعران عثمانی صرف‌نظر از تعلق خاطرشان به عرفان همواره تلاش می‌کردند شیوه بزرگان ادب فارسی همچون حافظ

و سعدی و مولانا را نصب العین خود قرار دهند. در بخشهای مختلفی از سرزمین عثمانی به تقلید از گلستان سعدی بلبستانها نوشتند، شرحهای ارزشمندی بر اشعار حافظ نگاشتند و حلقه‌های مثنوی خوانی تشکیل دادند. محمود ارول قلیچ از عرفان‌پژوهان شناخته شده امروز ترکیه در پژوهش مفصلی که به صورت کتاب حاضر درآمده، در صدد تبیین آبشخور اصلی شعر صوفیانه در سرزمین پهناور عثمانی و ارزیابی نحوه و میزان تأثیرپذیری شاعران صوفی عثمانی است. او به طور مشخص از سه شخصیت عرفانی: ابن عربی، مولانا، و یونس امره نام می‌برد و نقش آنها را در شکل‌گیری شعر صوفیانه با ذکر نمونه‌هایی روشن می‌کند. طبق روایت نویسنده، ابن عربی ۷ سال از عمر خویش را در ملطیه و ۳ سال را نیز در قونیه سپری کرده است. صدرالدین قونوی و داود قیصری از نمایندگان متقدم آرای شیخ اکبر در آناتولی بوده‌اند. مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، ملای روم بخش اعظم زندگانی خود را در قونیه به سر برد و با خلق آثاری چون مثنوی معنوی و دیوان شمس نام خود را جاودانه نمود؛ و یونس امره شاعری مردمی است که اشعار ساده و بی‌تکلفش حتی لایه‌های زیرین جامعه را تحت تأثیر قرار می‌داد.

از آثار دکتر قلیچ که به تازگی تصدی بخش فرهنگی سازمان همکاری اسلامی را برعهده گرفته تاکنون چهار کتاب به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده است و کتاب حاضر پنجمین خواهد بود. مترجم امیدوار است با ترجمه کتاب «صوفی و شعر» گام دیگری برای شناخت بیشتر دو ملت مسلمان ایران و ترکیه برداشته باشد. تجربه نشان داده است مردم این دو کشور به رغم فراز و نشیب‌هایی که در ارتباطات سیاسی داشته‌اند در زمینه‌های ماندگار فرهنگی همچنان نیازمند شناخت بیشتر از یکدیگر هستند.

وما توفیقی الا بالله

داود وفایی

بهار ۱۴۰۰

مقدمه نویسنده بر ترجمه فارسی

از زمانی که حیات انسان بر روی زمین آغاز شد، مهمترین وسیله برای ظهور و بروز بیرونی او یا بیان آنچه در دل داشت، شعر بوده است. شعر علاوه بر آنکه می‌تواند با کمترین واژه بیشترین معنا را منتقل کند، نمایانگر ژرفای درونی انسان به لحاظ فردی و اجتماعی نیز هست؛ لذا در آثار دینی و فلسفی همواره از شعر استفاده شده و می‌شود. در تاریخ اسلام مهمترین عاملی که انسان را به شعر گفتن و می‌داشته، عرفان بوده است. معروف‌ترین شاعران نیز از میان عارفان و حکیمان برخاسته‌اند. صوفیان صرف‌نظر از اینکه متعلق به کدام جغرافیا باشند و به چه زبانی بنویسند، از گنجینه زبانی مشترکی برخوردارند. عربی، فارسی و ترکی زبان‌هایی هستند که در امپراتوری‌های اسلامی رواج داشته‌اند؛ این است که اهل عرفان از سه زبان یاد شده هر کدام را که اختیار می‌کردند، در نتیجه تفاوتی حاصل نمی‌شد، زیرا همه آنها در صدد بیان معنای واحدی بودند.

نویسنده در کتاب حاضر با بیان نمونه‌هایی از سه زبان مذکور کوشیده است نشان دهد که عرفا چگونه از حس و حال مشترکی برخوردار

بوده‌اند. البته ما به دلیل زمینه‌های خاص بر شاعران ترک‌گوی عثمانی متمرکز بوده‌ایم، اما بارها و بارها بر نقاط مشترک این شاعران با برادران فارسی‌زبان‌شان تأکید کرده‌ایم. اصولاً نمی‌توان نقش و تأثیر عثمانی‌ها را در رواج فارسی به عنوان زبان شعر، کوچک شمرد. مخصوصاً «مولوی‌خانه»‌ها مرکزی بوده‌اند برای تربیت انسان و به دلیل آثار مولانا، فارسی را به علاقه‌مندان آموزش می‌داده‌اند. در مولوی‌خانه‌های سارایوو، استانبول، قاهره، مکه، مدینه، شام و بغداد، زبان فارسی آموزش داده می‌شد؛ و جالب است که استادان و مدرسان ترک بوده‌اند. این است که حافظ در شیراز شعر فارسی می‌سرود و سودی آن را در بوسنی به زبان ترکی شرح می‌کرد. فاصله‌ها هر قدر که دور باشند، تفاوتی نمی‌کند، بحث از یک پل درونی عاطفی باشکوه است. برخی افراد متعصب با ناخشنودی از رواج فارسی در مراکز تعلیم تصوف، شعاری به این مضمون ساخته بودند: «کسی که فارسی بیاموزد، نیمی از دینش را به باد می‌دهد!» یعنی با آموختن فارسی می‌شد آثار امثال مولانا و حافظ را خواند و صوفی شد؛ و این خوشایند آنان نبود، لذا می‌گفتند در چنین وضعی فرد نیمی از دین خود را از دست می‌دهد.

در تفکرات زیربنایی مانند مذهب و سیاست هر قدر برخی افراد علیه برخی دیگر خصومت به خرج داده باشند، اهل عرفان همواره در مسیر اخوت و برادری پیش رفته‌اند. عرفا اهل تفرقه نیستند، و مدام از توحید و یگانگی دم می‌زنند؛ همچنان که در مسیر وحدت با عالم وجود پیش می‌روند و در صدد وصل انسان‌ها هستند نه جدایی آنها از یکدیگر.

نگارنده در این پژوهش بی‌ادعا کوشیده است تا حدودی نشان دهد زبان فارسی به لحاظ عرفانی واقعاً غنی است، و البته دیگرانی نیز هستند که به زبان‌های دیگر سخن می‌گویند و با برادران فارسی‌زبان حس و حال

مشترکی دارند. امید است کتاب حاضر گامی باشد در درک بهتر کلام حضرت مولانا که «همدلی از هم‌زبانی بهتر است»، در آن صورت مؤلف به وظیفه خود عمل کرده است. لازم است از برادرم داود وفایی که زحمت ترجمه این کتاب را به فارسی پذیرفت، و مسئولان محترم انتشارات اطلاعات سپاسگزاری کنم.

محمود ارول قلیچ

استانبول، اول آپریل ۲۰۲۲

مقدمه

شعرهایی هستند که نه سرشکی از دیده شنونده جاری می‌کنند، نه باعث حیرت کسی می‌شوند، و نه با طعمی که ندارند هیچ تشنه‌ای را سیراب می‌کنند. اهل حال فقط از شعرهای اهل حال بهره‌مند می‌شوند و برای سخن اهل ظاهر اعتباری قائل نیستند. چگونه ممکن است شاعرانی که مقلد دیگران اند عشاق را شیفته و سرگردان خود کنند؟ در شعر اهل ظاهر نه عشقی هست نه جذبه‌ای، نه موجب ارشاد یاران می‌شوند نه آنها را به شوق می‌آورند. دل شاعر گنجینه حق است. حق بر دل شاعر الهام می‌کند، و شعر نیز. اهل حال در سخنان خود مدام دم از حق می‌زنند، بر سبیل حق‌اند و غافلان را هشدار می‌دهند. چه بسیار شعرهای موزون و بلیغ و ظریفی که خواننده و شنونده از آنها عرفانی کسب نمی‌کند. چه بسیار آموزش‌دیدگان با مهارتی که می‌توانند با توان علمی و ادبی شعر بگویند اما شعر آنها سوز دل عشاق را حاصل نمی‌دارد و درونشان را شعله‌ور نمی‌کند. سخن دور از تکلف حالی نصیب عاشق می‌کند اما آنچه با تکلف بیان شود درد تشنگان را علاجی نخواهد بود. شعر اهل حال چون تیری

بر دلها می‌نشیند اما با شعر اهل ظاهر ره به خانه دوست نمی‌توان یافت. بیان برخی شعرها با زیبایی توأم است اما این قبیل شعرها چون حظ درون ندارند هوش از سر مخاطب نمی‌ربایند و پریشانش نمی‌کنند. والاحاصل آنچه با حال بیان نشود قادر نیست کاشانه دل ما را که با محبت ماسوی زینت یافته زیر و رو کند. (متن ساده شده شعری از احمد قدوسی)

احمد قدوسی (وفات: ۱۸۴۹) از شاعران صوفی قرن نوزدهم عثمانی است. شعری^۱ از او را که به گمان ما چکیده بسیار زیبایی از بوطیقای شعر صوفیانه است، با برداشتی آزاد از مفاهیم آن به عنوان مطلع مندرجات کتاب حاضر آوردیم. ابن عربی همه آنچه را که می‌خواست در نوشته‌هایش به مخاطب تفهیم کند خلاصه می‌کرد و در شعری در ابتدای مطالب خود قرار می‌داد. ما هم به همان طریق رفتیم و سرآغاز کتاب حاضر را با شعر معناداری از قدوسی (ره) زینت دادیم. کوشش ناچیز ما در این کتاب را شرح فی‌البداهه‌ای بر شعر زیبای قدوسی هم می‌توان تلقی کرد.

بی‌تردید یکی از واژه‌هایی که در تاریخ فکر و ادب در ارتباط با آن بسیار اندیشه شده شعر است. عرصه‌های اصلی دین، حکمت، و ادب به نوعی با شعر مرتبط‌اند و به همین سبب بسیاری از اندیشمندان در صدد تعریف شعر برآمده‌اند. در شاخه‌ها و زیرمجموعه‌های عرصه‌های مذکور نیز هر مذهب، دین، مکتب فلسفی و جریان ادبی بر اساس برداشت‌های خاص، تعریفی از شعر به دست می‌دهد. مخصوصاً هر شاعری در چارچوب ادبیات، تعریف به‌خصوصی از شعر ارائه کرده است و این موجب سرگشتگی مخاطبان می‌شود. این وضع از جهتی بسیار طبیعی

است زیرا شاعران از جایگاهی که در آن به سر می‌برند شعر را تعریف می‌کنند. برخورد های ذهنی در این قبیل موضوعات اهمیت جداگانه‌ای دارند و در ادبیات و هنر اجازه داده نمی‌شود عینیت‌گرایی موجب از بین رفتن سوژه شود. وظیفه شخص این است که جایگاه خود را تعیین کند. در این صورت همه چیزها یک به یک در محل خود قرار می‌گیرند.

ما در این کتاب سعی می‌کنیم از زاویه تصوف به عنوان یکی از مکاتب اندیشه متافیزیکی، الگوی شعر را مورد بررسی قرار دهیم. همچنان که می‌دانید این مکتب فکری یعنی تصوف، مکتبی عرفانی است و بر جنبه باطنی اسلام استوار است و جنبه ظاهری دین را نیز تا جایی قبول دارد که با جنبه باطنی آن مطابقت داشته باشد. زاویه دید تصوف از درون به بیرون و یا از بالا به پایین است. نگاه صوفیان در همه موارد بر همین منوال است، لذا پرداختن آنان به الگوی ادبیات و شعر نیز مختص زمان ظهور و بروز خارجی آنها نیست. صوفیان مرحله پیش از ظهور شعر در درون شاعر تا زمان نخستین بروز خارجی آن را با دقت مورد بررسی قرار می‌دهند. مراحل بعد از زایش شعر برای آنها اهمیت ثانوی دارد. تصوف در حقیقت به خودی خود شعر است؛ چراکه به دین هیجان و معنا و آهنگ می‌دهد و صورت شعری به آن می‌بخشد. این حقیقتی تاریخی است که طرز تفکر صوفیانه به لحاظ نظری و فرهنگی از گذشته تاکنون موجودیت خود را حفظ نموده و در ایجاد بسیاری از پارادایم‌های ذهنی جوامع سنتی اسلام نقش مؤثر داشته است. مورخان معاصری که در این عرصه تحقیق کرده‌اند درباره تأثیرات مثبت یا منفی این امر آرای مختلفی داشته‌اند. مخصوصاً این حقیقتی کاملاً آشکار است که توسعه و پیشرفت سلجوقیان و عثمانیان در عرصه‌های علمی، ادبی و اجتماعی غالباً تحت تأثیر منابع عرفانی و صوفیانه بوده است. ابن خلدون البته ریشه پیشرفت‌های مذکور را در جای

دیگر جستجو می‌کند اما نمی‌توان منکر شد که نقش آموزش‌های صوفیانه در شفاف‌سازی فرهنگ، بسط رفتارهای مدنی و ظهور شخصیت‌های صاحب ذوق و زیبایی‌شناس بسیار بزرگ بوده است. ابن خلدون اگر بیشتر عمر می‌کرد می‌دید که تصوف چگونه می‌تواند به یک امپراتوری در حال رشد افق دید وسیعی بدهد، و با آغاز حاکمیت اندیشه‌ی رو در روی تصوف، افق مذکور چگونه محدود شده و رو به انحطاط می‌گذارد.

شکی نیست که تصوف، نوعی مکتب تفسیری و خاص اسلام است. با این حال برخی جوانب آن با دیدگاه‌های جهان‌شمول و مکاتب فکری دیگر شباهت‌هایی دارد. تصوف به‌طور طبیعی در تاریخ ادیان، مکاتب فلسفی، و جریان‌های ادبی با برخی مکاتب قرابت‌های بیشتری دارد و خود را به آنها نزدیکتر می‌بیند. شباهت‌های مذکور جهانی‌اند و مطابق آنچه برخی به خطا گمان کرده‌اند انتحال‌ناپذیر نمی‌شوند. این امر مانند حرکت مشابه دونفر در شرق و غرب عالم است که برای دیدن خورشید بالا را نگاه می‌کنند. تصوف را در میان جریان‌های فکری جهان‌شمول غالباً می‌توان به مکاتب سنت‌گرایی (tradisyonel)، ارشاد و هدایت (inisiyatik)، قائل به ابدیت (perennial)، عرفانی (mistik)، باطنی (ezoterik) و شاخه‌های فلسفه قدیم نزدیک دانست.^۱ البته صرف‌نظر از موارد مذکور، تصوف

۱. ترجیح دادیم نام این جریان‌ها را به صورتی بیاوریم که در غرب به کار می‌رود نه آن‌چنان که در سنت ما متداول بوده است. (دوستان معذورمان بدارند) درست است که معانی مورد اشاره اسامی مذکور در فرهنگ ما وجود دارند اما حقیقت این است که آنها به دلیل استحاله‌های فکری تجربه شده به صورت عناصر زبانی مرده درآمد‌اند. اگر معنا و مفهوم تعبیری چون «حکمت خالده»، «حکمت جاودان»، «حکمت باطنی»، «سیر و سلوک»، «علم اسرار» و نظایر آن در حیات فرهنگی امروز ما به صورت زنده و پویا وجود می‌داشت ترجیح می‌دادیم برای بیان مقصود خود از همین تعبیر استفاده کنیم؛ اما معانی واژه‌های یاد شده فقط برای اهل عرفان که متأسفانه شمارشان نیز رو به کاهش است قابل درک می‌باشد.

در مواجهه با مکاتب یاد شده دارای نقاط افتراقی نیز می‌باشد. برخی از اندیشمندان غربی چون رنه گنون، تیتوس بورکه‌هارت، فریتهوف شوان، و مارتین لینگز که شخصاً تجربه مکاتب دیگر را نیز داشته‌اند تصوف را تنها شاخه حکمت می‌دانند که هنوز اصالت خود را از دست نداده است. این قبیل متفکران معتقدند در یک مکتب معنوی، امکان دستیابی به معرفت صحیح در گرو سالم ماندن ساختار اصلی ارکان و نظریه‌هاست. در غیر این صورت جویای حکمت سر از جاهای دیگر درمی‌آورد و یافته‌های خود را نیز حکمت می‌پندارد.

ما در این کتاب برای نمونه‌هایی که ذکر می‌کنیم منحصرأ به متون عرفانی و دیوان‌ها استناد خواهیم کرد؛ با این حال در مواردی به مقایسه‌های انجام شده نیز اشاره کرده ابعاد جهانی محتوا را از نظر دور نخواهیم داشت. آنچه را که به عنوان شاهد مثال در بیان اندیشه مورد نظر می‌آوریم نیز معمولاً از اشعاری است که به دوره‌های متأخر عثمانی مربوط می‌شود. البته در مواقع لزوم از حوزه‌های فرهنگی برادرانمان در کشورهای دیگر هم بهره برده‌ایم؛ بنابراین تحقیق حاضر مدعی احاطه بر تمامی تاریخ شعر صوفیانه نیست. واقعیت این است که بررسی کامل گذشته شعر صوفیانه بسیار لذت‌بخش است و نگارنده علاقه وافری به انجام این کار داشته و دارد. برای مثال پرداختن به ابن‌فارض در شعر عربی، یا بررسی سمبولیسم پربار و عرفانی حافظ و خیام در شعر فارسی موجب غنای بیشتر دیدگاه‌های مطرح شده در کتاب می‌شد. ما در اینجا درصدد طرح پایه‌های فکری و استخراج مبانی اصلی مسأله بودیم لذا به بیان نمونه‌ها به همان میزان که با آنها مواجه می‌شدیم اکتفا کردیم؛ بنابراین تحقیق حاضر را می‌توان در چارچوب نظری فوق تفصیل بیشتر داد. در روش‌شناسی سنتی اصل، کار بر روی قاعده‌هاست؛ و شاخ و برگ دادن و تفصیل مطلب

در مرحله بعد قرار می‌گیرد. مگر منظور از سنت، یافتن امر لایتغیر در میان متغیرها یعنی تشخیص گوهر در میان اعراض و انتقال آن به زمان کنونی نیست؟

برخی از دوستان ممکن است مخالفت کنند و بگویند ما هر شعر تولید شده در راستای فکر اصلی این کتاب را صوفیانه قلمداد کرده‌ایم. نگارنده اما ادعا ندارد همه شعرهای زمان عثمانی بدون استثنا صوفیانه‌اند. حقیقت این است که پس‌زمینه‌های فکری و ویژگی‌های کمی شعر عثمانی متعلق به فضای صوفیانه است. ما منکر آن نیستیم که شاعران مطرح شده در این تحقیق گاه در موضوعات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، عشق بشری و امثال آن نیز که لزوماً هم دینی نیستند شعر سروده‌اند. نگارنده در مسیر تحقیق خود با اشعاری مواجه شده است که برای پادشاهان سروده شده‌اند،^۱ یا غزلهایی را دیده است که در وصف عشق زمینی‌اند، هجویه‌هایی وجود دارند که در مذمت فرد خاصی ساخته شده‌اند، ما همین‌طور به فخریه‌هایی برخوردیم که شاعر در ستایش ویژگی‌های بشری خود سروده بود. این قبیل اشعار را به هیچ‌وجه نمی‌توان با اخلاق صوفیانه سازگار دانست. این نوع شعرها در مجموع به لحاظ تعدادشان و نقشی که ایفا می‌کنند اندک و ناچیزند. معیار ما در تعیین بوطیقای شعر عثمانی، منظومه‌ای از ارزش‌هاست که بر فضای شعر عثمانی حاکمیت داشته است. اگر بخواهیم مثالی ذکر کنیم باید از دیوان نیازی مصری نام ببریم؛ دیوانی که مملو از مطالب عرفانی، مابعدالطبیعی، و عشق الهی است اما با این حال شاعر در آن پیرامون سیب‌های زادگاهش «آسپوزی»، و «المالی» شهر سکونت شیخش نیز شعرهایی دارد. این نوع شعرها ما را

۱. خلیل اینالچیک، شاعر و ارباب، ص ۸۱.

ملزم نمی‌کند نیازی مصری را شاعری وابسته به جغرافیایی خاص و مثلاً شاعر کوهستانی بنامیم. صفت ممیزه شاعران صوفی این است که هدف نخست آنها مسائل ماورایی است. البته برخی از آنها پیرامون هدفهایی که ممکن است ثانوی محسوب شوند نیز شعرهایی سروده‌اند. ما معتقدیم اگر موفق به درک درست اولویت‌های دنیای ارزشی و سستی شاعران مذکور نشویم برداشت‌های خود را بر آنها تحمیل خواهیم کرد. متجددان یا پیوند شخصی خود را با مسائل ماورایی کاملاً قطع کرده‌اند و یا در وضعیتی به‌سر می‌برند که قادر به درک چنان فضایی نیستند؛ لذا آنها در شعر سستی نیز همواره تلاش می‌کنند موضوعات غیردینی را در صدر قرار دهند، و به نظر ما این چیزی جز به انحراف کشاندن اذهان نیست. هر جاندار با رفتار و کرداری که در محیط زندگی خود دارد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بر همین اساس شاعران سستی نیز صرفاً در چارچوب جهان‌بینی سستی‌شان تشخیص می‌یابند؛ و این یک حقیقت است.^۱

اولین گامها برای تألیف این کتاب تقریباً پنج سال پیش در یک سمپوزیوم برداشته شد. مقاله‌های ارائه شده به آن همایش هنوز منتشر نشده‌اند و نگارنده با اندک تفصیلی که به مقاله خود داد توانست آن را

۱. منظور ما از واژه سنت در این کتاب بیش از جنبه جامعه‌شناسانه، معنای کنونی آن بوده و بر تداوم اصول ماورایی اشاره دارد. در دوره‌های اخیر در زبان ترکی ادبیات مفصلی پیرامون این جنبه از مفهوم سنت ایجاد شد لذا پرداختن به توضیح فنی آن در اینجا ضرورتی ندارد. به کسانی که علاقه‌مند به کسب آگاهی بیشتر در عرصه خاص «سنت و ادبیات» هستند مطالعه کتاب **نظریه ادبیات سستی** از رای لیوینگستون، و **انسان و زیبایی‌شناسی اسلام** اثر بشیر آیواز اوغلو را توصیه می‌کنیم. در معنایی محدودتر موضوع «سنت و شعر» را نیز می‌توان در کتاب یاد شده از آیواز اوغلو، همچنین مقاله‌های «سنت و شعر» و «شاعر و سنت» از سزایی کاراکوچ، و کتاب سوم از مجموعه کتاب‌های **زمان‌های گسترده** (استانبول ۱۹۹۱) پی گرفت.

به صورت کتاب حاضر منتشر کند.^۱ این عبارت که «در به تأخیر افتادن هر کاری حتماً خیری هست» متأثر از اصطلاح عرفانی «رضا» وارد حافظه فرهنگی ما شده و صاحب این قلم در تحقیق حاضر با تحقق مجدد آن مواجه شد. ما اندیشه محوری مطرح شده در کتاب حاضر را پیشتر با دوستان ارجمند در عرصه‌های عرفان و حکمت در میان گذاشتیم و اینک اگر به پژوهش‌های مرتبط با پیشینه شعر خدمتی کرده باشیم مسرور خواهیم بود. از دوستانی که در زمانه مدرن کنونی قلم می‌زنند، مورخان نکته‌سنج عرصه ادبیات، و شاعران صریح‌اللهجه، پیشاپیش طلب عفو و بخشش دارم؛ و از آنها می‌خواهم تحقیق حاضر را صرفاً مقدمه‌ای بدانند برای بحث «نگاه صوفیان به شعر» و این طبیعتاً با «نگاه شاعران به شعر» متفاوت خواهد بود. در نظر داشته باشید که پدیدآورنده این تحقیق، مورخ عرفان و تصوف است نه مورخ ادبیات؛ گمان می‌کنم عذرهای احتمالی با این یادآوری آسانتر پذیرفته شوند. همه سخنان زیبایی که در کتاب می‌بینید متعلق به صاحبانشان است و تمام اشکالات به نحوه بیان ما برمی‌گردد.

محمود ارول قلیچ

فاتح ۲۰۰۴

۱. سمپوزیوم بین‌المللی شعر در دنیای عثمانی، انتشارات سازه و اعتبار (YKY)، ۱۹ تا ۲۲ نوامبر ۱۹۹۹، سالن کنفرانس موزه نظامی، حریبه، استانبول. خلاصه‌ای از مقاله مذکور همزمان با چاپ کتاب حاضر در شماره ۳۸ زمستان ۲۰۰۴، ص ۸۴ تا ۹۷ نشریه کوگیتو منتشر شد.